دریچه

صالحی از پیگیری خسارات وارده به اهالی فرهنگ خبر داد

● **ایسنا:** وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از پیگیری خسارات اصحاب فرهنگ، هنر، نشر، سینما، رسانه، آموزشگاه‌ها، چاپ، مؤسسات، کانون‌ها و... خبر داد.

سیدعباس صالحی در توئیتی نوشت: «موضوع خسارات اصحاب فرهنگ، نشر، هنر، سینما، رسانه، آموزشگاه‌ها، چاپ، موسسات، کانون‌ها و ... مورد پیگیری جدی است.

از صنوف ۱۰گانه مصوب هستند که قرار شد مورد حمایت قرار گیرند. قریب دو ماه تعطیلی غالب این صنوف و نمایشگاه کتاب تهران و... ضربه سختی است. برآورد خسارت داشته و پیگیریم».

مراکز فرهنگی هنری کشور همچنان تعطیل‌اند

کمیته اطلاع‌رسانی ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا در اطلاعیه شماره ۳ خود، درباره فعالیت مراکز فرهنگی، هنری و سینمایی کشور توضیح داد.

در این اطلاعیه آمده است: «ضمن قدردانی از ملت بزرگ ایران و اصحاب فرهنگ، هنر در رعایت نکات بهداشتی و عمل به توصیه‌های پیشگیرانه، بدین‌وسیله اعلام می‌شود؛ «نظر به مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا و ضرورت اجرای دقیق دستورالعمل فاصله‌گذاری هوشمند اجتماعی و پرهیز از شکل‌گیری تجمعات پرخطر به منظور اطمینان از قطع زنجیره انتقال بیماری، سالن‌های سینما، تئاتر، موسیقی، آموزشگاه‌های آزاد هنری و نمایشگاه‌های فرهنگی تا اطلاع ثانوی تعطیل است.

همچنین سایر مشاغل مرتبط فرهنگی و هنری غیرتجمعی با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی از ۲۳ فروردین در سراسر کشور و از ۳۰ فروردین در تهران مجاز به فعالیت هستند».

اسکار سینمای آلمان برگزار می‌شود

● **مهر:** آکادمی فیلم آلمان تصمیم گرفته است به جای لغو اهدای جوایز لولا که معادل اسکار در سینمای آلمان است، این مراسم را بدون جشن معمول در ۲۴ آوریل (۵ اردیبهشت) برگزار و به صورت زنده پخش کند.

آلمان اعلام کرده است جوایز معادل اسکار خود را از برلین و با وجود قرنطینه کشور به دلیل گسترش ویروس کرونا، در مراسمی زنده برگزار می‌کند.

جوایز فیلم آلمان که امسال هفتادمین دوره‌اش را برگزار می‌کند البته به جای جشن همیشگی خود، بدون میهمانان و شرکت‌کنندگان و بدون حضور نامزدها و برندگان به معرفی برترین چهره‌های سال می‌پردازد و برندگان از خانه‌هایشان شاهد مراسم خواهند بود.

شرلی هورمان که مدیر امسال این مراسم است، در این زمینه گفت: با وجود اینکه همه مرزها دارند بسته می‌شوند و ما در شرایط اضطراری هستیم و باید از خودمان محافظت کنیم، هنوز می‌خواهیم راهی برای جشن‌گرفتن و تجلیل از نامزدها و برندگان پیدا و برنامه‌ای زنده و البته بی‌نظیری خلق کنیم.

میزبان امسال مراسم جوایز فیلم آلمان ادین هازانوویچ بازیگر است. در این مراسم حدود ۳.۲ میلیون دلار جایزه از سوی وزارت فرهنگ آلمان به نامزدها و برندگان اهدا می‌شود.

نامزدها و برندگان نیز از خانه به صورت زنده در مراسم حضور خواهند داشت.

امسال فیلم «آلکساندر پلاتز برلین» ساخته برهان قربانی که اقتباسی از اثر کلاسیک سال ۱۹۳۰ در دوران مدرن است، با نامزدی در ۱۱ بخش پیشتاز کسب جایزه است که شامل بهترین فیلم و بهترین کارگردانی نیز می‌شود.

درام اجتماعی «خرابکار سیستم» ساخته نورا فینگشایت نیز پشت سر این فیلم قرار دارد. این فیلم در ۱۰ بخش نامزد کسب جایزه شده و در جشنواره بین‌المللی فیلم برلین سال پیش با موفقیت زیادی روبه‌رو شد.

اولریش ماتس، رئیس آکادمی فیلم آلمان، گفت: حتی در چنین موقعیت خاصی، باید از فیلم‌های فوق‌العاده سال به‌درستی تجلیل شود.

پیدا و پنهان‌های نشر

محمدامین اکبری: چند روز پیش، به مناسبت روز پدر کانال تلگرامی مرکز فرهنگی شهر کتاب ویدئویی کوتاه از استاد محمدعلی موحد، منتشر کرد. ایشان در این پیام مشفقانه در باب بیماری کرونا و وضعیت استثنائی کشور و جهان خطاب به مخاطبان خود نکاتی را متذکر شدند. خوشبختانه این پیام مورد استقبال اهالی ادب و فرهنگ قرار گرفت و تا مدتی بعد افراد مختلف این ویدئوی کوتاه و متن پیام به خط استاد را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذاشتند. باز هم می‌گویم خوشبختانه چنین پیام انسان‌دوستانه‌ای، توجهات را به خود معطوف کرد؛ اما متأسفانه اندکی بعد از انتشار این پیام اتفاق دیگری افتاد که چندان سروصدا نکرد و آن هم انتشار چاپ چهارم «مثنوی معنوی» به تصحیح استاد، در نشر هرمس با همکاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. بحث بر سر این نیست که چرا این کتاب مورد توجه قرار نگرفته که اتفاقا مورد توجه قرار گرفته و چاپ‌های پیشینش به‌سرعت فروخته شده است. بحث بر سر قیمت سرسام‌آور کتاب است. قیمت چاپ چهارم این کتاب ۴۹۰ هزار تومان است؛ درحالی‌که چاپ سوم که سال گذشته در همین روزها بیرون آمد، ۳۰۰ هزار تومان بود. با هر روشی که حساب کنید، این قیمت بسیار زیاد است. مجال اینکه در این باب توضیحات فنی این‌چنینی را بدهم، نداریم. فقط کافی است مخاطبان سری به سایت شهرکتاب آنلاین بزنند و با درنظرگرفتن مشخصات ظاهری کتاب قیمت آن را با سایر کتاب‌های مشابه مقایسه کنند. به‌عنوان مثال چاپ دوم «نردبانِ آسمان» (نشر نو) در دو مجلد و دوهزارو ۳۰۰ صفحه (۳۰۰ صفحه بیشتر از مثنوی هرمس) با کاغذی مرغوب‌تر و مواد ساختی بهتر، ۴۰۰ هزار تومان است.

برای یافتن پاسخ چرایی این اختلاف قیمت‌های فاحش باید مناسبت‌های پیدا و پنهان نشر در چند سال اخیر را مطالعه کرد. متأسفانه یکی از ترفندهای اقتصادی که در چند سال اخیر بین تعدادی از ناشران باب شده است، سوءاستفاده از نام چند شخصیت برجسته فرهنگی و ادبی معاصر است که در بین عامه مخاطبان ادبیات از محبوبیت زیادی برخوردارند. از این میان نام سه نفر بیش از دیگران مورد سوءاستفاده ناشران و بنگاه‌های فرهنگی قرار گرفته است: استاد محمدعلی موحد، استاد امیرهوشنگ ابتهاج (سایه) و دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی.

نحوه انتشار و قیمت‌گذاری آثار دکتر شفیعی‌کدکنی و همچنین کتاب «پیر پرنیان‌اندیش» (در صحبت سایه) در انتشارات سخن وضعیت بهتری از مثنوی معنوی انتشارات هرمس ندارد. انتشارات سخن علاوه بر اینکه قیمت‌های بالایی بر کتاب‌های خود می‌گذارد (بسیار بالاتر از قیمت‌های معمول بازار)، با وقفه‌های طولانی در تجدید چاپ برخی از آثار خود مثل «پیر پرنیان‌اندیش» و «تذکره‌الاولیا» به تصحیح دکتر شفیعی، اصطلاحا بازار را تشنه نگه می‌دارد و آن‌وقت در زمان مناسب قیمت مدنظرش را بر کتاب‌هایش می‌گذارد (شما تصور بفرمایید که وقتی «پیر پرنیان‌اندیش» در بازار سیاه تا یک میلیون تومان هم خریداری می‌شود، مخاطب راحت‌تر با قیمت ۳۹۰ هزار تومانی این کتاب هزارو ۳۰۰ صفحه‌ای کنار می‌آید و این قیمت را به‌نوعی لطف انتشارات سخن در حق خود می‌داند) یا دو مجموعه شعر «آئینه‌ای برای صداها» و «هزاره دوم آهوی کوهی» از دکتر شفیعی‌کدکنی در زمستان سال جاری پس از وقفه‌ای طولانی در این نشر منتشر شد. این کتاب‌ها را با گزینه اشعار فریدون مشیری که انتشارات نگاه در همان روزها منتشر کرد، مقایسه می‌کنیم تا قیمت بسیار بالای مجموعه شعرهای دکتر شفیعی مشخص شود. چاپ دهم «آئینه‌ای برای صداها» (که در آن ناشر از بسیاری از مخارج، نظیر فیلم و زینک کتاب معاف است و سود خود را از فروش کتاب در نوبت‌های پیش برده است)، در ۵۲۰ صفحه، ۱۱۰ هزار تومان است و چاپ نخست گزینه اشعار فریدون مشیری در ۵۹۰ صفحه، ۸۵ هزار تومان. البته طبیعی است که ناشران از محبوبیت مؤلفان برای فروش آثارشان استفاده کنند. این امر در فعالیت‌های اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است؛ ولی همان‌طور که دیدید، موارد بالا حتی در چارچوب‌های اقتصادی نیز نمی‌گنجند و عملا نوعی سوءاستفاده از شخصیت‌های ارجمند فرهنگی است و این عزیزان با مؤلفان آثار عامه‌پسند قابل قیاس نیستند؛ چراکه در پسِ آثارشان فکری و فرهنگی است. به نظر من تنها راهکار مقابله با این جریان اشتباه، استقبال‌نکردن از این آثار و نخریدن آن است؛ چراکه حداقل ناشران متوجه می‌شوند که تحت هر شرایطی کتاب‌های‌شان به فروش نمی‌رود و باید اندکی جانب انصاف را نگه دارند. باری تمام این یادداشت را به بهانه انتشار «مثنوی معنوی» انتشارات هرمس نوشتم. کتابی که به کمک فرهنگستان زبان و ادب فارسی که یک نهاد دولتی است، منتشر شده است و نه‌تنها این کمک‌ها سبب پایین‌آمدن قیمت آن نشده؛ بلکه موجب شده که انتشارات هرمس رکورد جدیدی را در بین ناشران گران‌فروش به نام خود ثبت کند. بد نیست چند نکته تکمیلی را هم در باب ظاهر این کتاب یادآور شوم و یادداشت را به پایان ببرم.

در بالا از نشر کارنامه با وجود قیمت‌های بالای کتاب‌هایش نامی نبردم؛ چراکه اصولا کتاب‌های نشر کارنامه با توجه به فرایندی که در تولیدش طی می‌شود و موادی که در آن به کار می‌رود، در شاخه کتاب‌های لوکس و نفیس قرار می‌گیرد. به عبارتی، بخشی از پولی که مخاطب برای کتاب می‌پردازد، بابت زیبایی کتاب اعم از طراحی هنری منحصربه‌فرد، ویرایش و صفحه‌آرایی دقیق و چشم‌نواز آن است. حال آنکه مثنویِ هرمس از جنبه‌های مختلف کتاب‌سازی نیز دچار اشکالات فراوانی است. اول آنکه صفحه‌آرایی کتاب در هر چهار نوبت چاپ، هم از لحاظ نوع حروف و میزان بزرگی‌شان و هم کادربندی صفحات دارای مشکل است، گویا کتاب برای قطع رقعی صفحه‌بندی شده و در قطع وزیری منتشر شده است (بخش زیادی از دورتادور صفحات سفید است). دو دیگر از لحاظ طراحی هنری هم این کتاب نمره قبولی نمی‌گیرد. اول اینکه هر چاپ این کتاب به یک شکل متفاوت است.

چاپ اول جلد شیری‌رنگ با کاغذ اندونزیایی که حجم کمی دارد، چاپ دوم همان طرح جلد اما با کاغذ بالک که حجم کتاب را یک‌ونیم برابر چاپ پیشین کرده بود (ضمن اینکه از ابتدایی‌ترین مسائل نشر این است که کاغذ بالک برای کتاب‌های مرجع مناسب نیست) چاپ سوم با ظاهری متفاوت‌تر از چاپ‌های پیشین با جلد قهوه‌ای‌رنگ و عنوان طلاکوب‌شده با همان کاغذ چاپ اول به همراه قاب عرضه شد و حالا چاپ چهارم با ظاهری به کل متفاوت با کاغذ سفید و رنگ آبی برای جلد که برای چنین اثری نامناسب به نظر می‌رسد؛ البته از حق نگذریم که از مزایای این نسخه ۴۹۰ هزار تومانی این است که طراحان جدید نشر هرمس عنوانِ دفرمه‌شده «مثنوی معنوی» را که به صورت عمودی کشیده شده بود، اصلاح کردند.

حالا باید دید نشر هرمس در چاپ‌های بعد چه شگفتانه‌هایی را برای مخاطب دارد.

گفت‌وگو با رضا مقصودی

کپی کردن از «لیلی با من است» اثر بی‌مزه‌ای می‌شود

بهناز شیربانی: «دوپینگ» نخستین سریالی است که رضا مقصودی در مقام کارگردان آن را به پخش نوروزی شبکه سه سیما رساند. فیلم‌نامه‌نویس باسابقه سینما، چند سالی است که تصمیم گرفته تا فیلم‌نامه‌هایش را خود کارگردانی کند و تجربه ساخت یک فیلم سینمایی و یک سریال او را برای ادامه مسیر مصمم‌تر کرده است. گفت‌وگوی ما با او از سال‌های دور و نگارش فیلم‌نامه «لیلی با من است» آغاز شد و به چگونگی ساخت سریال «دوپینگ» ختم شد. شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

عکس: سمیه جعفری

در تمام این سال‌ها، پیش از اینکه رسما در مقام کارگردان هدایت‌کننده گروهی باشید، به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس تجربه همکاری در بسیاری از پروژه‌های موفق سینما را داشتید. نگارش فیلم‌نامه «لیلی با من است» پررنگ‌ترین آنهاست؛ اما جایی از شما خواندم که در بسیاری از مواقع فیلم‌نامه‌ای که از شما به مرحله اجرا به دست کارگردانی می‌رسید، چیزی نبود که انتظار شما را برآورده کند.

بله؛ وقتی «لیلی با من است» نوشته شد، آن سال‌ها جوانی بودم جویای نام که با جسارت این فیلم‌نامه را نوشتم. کمال تبریزی هم جوان بود؛ حتی پرویز پرستویی در ابتدای سال‌های فعالیتش بود. همه ما آدم‌هایی بودیم اهل جسارت و خطرکردن. با همین روحیه «لیلی با من است» ساخته شد. «لیلی با من است» در تاریخ و جغرافیای خاصی ساخته شد. شاید اگر همان شرایط سابق پیش بیاید، باز هم بتوان چنین اثری ساخت. فکر می‌کنم آثار هنری شاخص با چنین ویژگی‌هایی ساخته می‌شوند و بخش زیادی از آن به زمان و مکانی که اتفاق می‌افتد، بستگی دارد. طبعا بخش زیادی از آثاری که من به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس نوشتم و به مرحله اجرا رسید، انتظار من را برآورده نکرد. فکر می‌کنم بعد از نگارش فیلم‌نامه «لیلی با من است» به نظرم اثر قابل دفاعی نداشتم. همواره فکر می‌کردم اگر فیلم‌نامه‌ای را که می‌نوشتم، خودم تولید می‌کردم، همه چیز تغییر می‌کرد. حتی خیلی بهتر می‌شد. حتی ممکن بود نتیجه اثرم چیز جذابی نباشد؛ اما باز اثر خودم بود؛ حتی اگر به‌شدت ضعیف و غیر قابل دفاع باشد. زمانی که فیلم‌نامه «همیشه پای یک زن در میان است» را نوشتم، متأسفانه برخی در آن دست بردند که هنوز هم فکر می‌کنم اگر فیلم‌نامه اولیه آن را خودم می‌ساختم، اثر متفاوتی می‌شد. طبعا بسیاری ممکن است چنین نظری نداشته باشند. من همواره دنبال خودم هستم. وقتی اولین فیلم سینمایی‌ام «خجالت نکش» را ساختم، حس خوبی داشتم. ممکن است برخی معتقد باشند فیلم خوبی نیست. با همه اینها من راضی‌ام؛ چون از متن تا اجرا برآمده از چیزی بود که به آن فکر می‌کردم. در سریال «دوپینگ» و دومین تجربه کارگردانی، قضیه کمی فرق داشت. شرایط کار طوری بود که ناگهان کارگردان دیگری هم اضافه شد. من از بهروز نیک‌نژاد خواهش کردم تا بتوانیم سریال را به پخش برسانیم و او به من لطف کرد. اگر همراهی او نبود، سریال به پخش نوروزی نمی‌رسید؛ اما به‌هرحال نگاه دیگری هم وارد شد. با همه اینها راضی‌ام که «دوپینگ»را نوشتم و ساختم و در نهایت از اینکه وارد عرصه کارگردانی شدم، حس بهتری دارم.

در صحبت‌های‌تان به نکته خوبی اشاره کردید. اینکه زمان ساخت «لیلی با من است» شما و همکاران‌تان آدم‌های دیگری بودید و شرایط، زمان و مکان همگی مسیر را برای موفقیت این فیلم هموار کردند. شما ازجمله فیلم‌نامه‌نویسانی هستید که هم آثار کمدی نوشتید و هم فیلم‌نامه‌های جدی. چند سالی است که حتی از کارگردان‌هایی که سابقه درخشانی در ساخت آثار کمدی دارند، کمتر اثر درخشان می‌بینیم و در اکثر مواقع از نبود فیلم‌نامه‌ای جذاب صحبت می‌شود. چه فرایندی طی شد که سینمای کمدی تغییر رویه داد؟

مدتی است روی فیلم‌نامه‌ای کار می‌کنم که درباره یکی از شخصیت‌های تاریخی است. این فیلم‌نامه کمدی است؛ اما با چالشی بزرگ روبه‌رو شده‌ام که برای آن تهیه‌کننده پیدا نمی‌کنم. طبعا فیلم تاریخی پرهزینه است. بخش‌های دولتی هم معتقدند اگر قرار است این شخصیت تاریخی باشد، باید نگاه ما هم در آن دخیل شود، بخش خصوصی هم تأکید می‌کند که باید به سراغ بازیگر مشخصی رفت که تا حد زیادی فروش فیلم را تضمین کند؛ اما من معتقدم اگر به سراغ بازیگر کمدی معروف بروم، او با خودش چیزهایی می‌آورد که از ذهنیت من فاصله دارد. کمدی‌ای که من دنبالش هستم، کمدی خاص خودم است. معتقدم بازیگر هم باید در خدمت کار باشد و اگر با هم فاصله زیادی داشته باشیم، دچار مشکل می‌شویم و به‌اصطلاح کار از دستم درمی‌رود. کمدی‌ای که من به دنبالش هستم، از بی‌ادبی و توهین در آن خبری نیست. نباید به مسائل جنسی به گونه‌ای پرداخت که خانواده‌ها نتوانند با هم فیلم را تماشا کنند و در واقع فراهم‌شدن همه این شرایط برای ساخت فیلم کمدی دلخواه من سخت است. شرایط تولید ما با گذشته تفاوت بسیاری دارد. شرایط جامعه ما روزبه‌روز در حال تغییر است و این تحولات باعث شده تا دیگر آثار کمدی موفق گذشته تکرار نشود. حتی معتقدم کپی‌کردن از «لیلی با من است» درحال‌حاضر، اثر بی‌مزه‌ای می‌شود و حتی نمایش دوباره این فیلم هم اتفاق جذابی نیست. آدم‌ها تغییر می‌کنند و هنوز هم معتقدم باید شرایط فرهنگی-اجتماعی ساخته‌شدن یک فیلم شاخص فراهم شود. من هم دیگر آدم سابق نیستم؛ حتی ممکن است ضعیف‌تر از سابق باشم و توان گذشته را نداشته باشم.

از «دوپینگ» صحبت کنیم. سریال کمدی‌ای که بیش از طنز موقعیت، مخاطبش را با طنز کلامی سرگرم می‌کند و فکر می‌کنم تا حد زیادی با سلیقه مخاطبان تلویزیون فاصله دارد. چه ایده‌ای برای «دوپینگ» داشتید؟

من تابه‌حال فیلم‌نامه‌های بسیاری برای تلویزیون نوشتم. حال‌وهوای تلویزیون طلب می‌کند تا بیشتر به واسطه دیالوگ با مخاطب ارتباط بگیرید و شوخی کنید و در واقع طنز کلامی داشته باشید. درعین‌حال این سریال پر از موقعیت‌های کمدی است. یک بار قبل از تصویربرداری، جلسه‌ای با هادی حجازی‌فر و نیما شعبان‌نژاد داشتم که قرار بود سکانسی را تمرین کنیم. تأکید کردم که بازیگران از خودشان چیزی به متن و اجرا اضافه نکنند. نیما به نکته خوبی اشاره کرد که متن میزان زیادی موقعیت بامزه دارد و نمی‌توان در اجرا به آن نپرداخت. این موقعیت‌ها در فیلم‌نامه وجود دارد؛ موقعیت‌هایی که در فیلم‌نامه برای بازیگران جذاب بود و آنها به این موقعیت‌ها پروبال می‌دادند و با دیالوگ به آن رنگ می‌دادند. حتی آذری صحبت‌کردن حسن و مادرش هم در اجرا اتفاق افتاد؛ اما در نهایت فکر می‌کنم طنز کلامی در این سریال نقش خودش را به خوبی ایفا کرده است.

پیشنهاد حضور برزو نیک‌نژاد به‌عنوان کارگردان دوم از سمت چه کسی مطرح شد؟

برزو نیک‌نژاد تابه‌حال کمدی‌های موفقی را کارگردانی کرده است؛ دست‌کم در فیلم «زاپاس»، کمدی خوش‌ساختی را شاهد بودیم یا به سلیقه من نزدیک‌تر بود. حس می‌کنم جنس کمدی‌های ما به یکدیگر شباهت‌های بسیاری دارد. این را هم در نظر بگیرید که در کشورهای دیگر در مدت زمان مشخصی چند کارگردان یک سریال را کارگردانی می‌کنند و از ابتدا سریال به این شکل نوشته می‌شود. «دوپینگ» برای دو فصل نوشته شده بود؛ اواسط کار مشخص شد که قطعا در زمان تعیین‌شده ساخت ۳۰ قسمت ممکن نیست. برای سرعت‌گرفتن ساخت سریال تصمیم گرفته شد ساخت بخش‌هایی از سریال به گروه دیگری سپرده شود و بهترین گزینه برزو نیک‌نژاد بود. طبیعی است سریالی که من نوشته بودم و فکر می‌کردم خودم قرار است کارگردانی کنم و برایش ایده داشتم، در میانه‌های راه مسیر دیگری را طی کرد و برزو هم تمام تلاشش را کرد که نزدیک به من کار کند.

در نهایت نتیجه کار برای شما راضی‌کننده است؟

بله؛ برای من راضی‌کننده است. در این موقعیت اگر قرار بود من فیلم‌نامه‌ای بنویسم که شخص دیگری کارگردانی کند، فیلم‌نامه را شکل دیگری می‌نوشتم یا طراحی می‌کردم تا با نزدیک‌ترین ذهنیت بتوانیم کار را تمام کنیم. الان شرایط فرق می‌کند؛ طبیعی است این سریال یک اثر با ویژگی‌های خاص خودش است. در بخش‌هایی من نیستم و شخصی دیگر است. البته که خیلی غلط نیست و کار خودش را می‌کند. کارش را درست پیش می‌برد؛ اما این دودستی را می‌توان حس کرد.

«خجالت نکش» را سینمایی ساختید، چراکه امکان ساخت سریال فراهم نشد و «دوپینگ» که ایده و فیلم‌نامه سینمایی بود، به سریال نوروزی تبدیل شد. هنوز هم فکر می‌کنید «دوپینگ» ظرفیت یک اثر سینمایی را داشت؟

شاید مقایسه خوبی نباشد. شکل سینمایی«دوپینگ» با چیزی که می‌بینید تفاوت داشت. زمانی که تصمیم گرفته شد سریال«دوپینگ» ساخته شود، فیلم‌نامه سینمایی آن را کنار گذاشتم؛ اما در نهایت فکر می‌کنم ساختار سینمایی که در سریال می‌بینیم، برگرفته از وضعیت فیلم‌نامه سینمایی است. این ساختار سینمایی خودش را به سریال تحمیل کرد. ببینید سریال «دوپینگ» پروپیمان و لبریز از حادثه است. به نظرم اصلا کشدار نیست و این پروپیمان‌بودن از آن نگاه سینمایی می‌آید؛ نه اینکه چون طرح اولیه سینمایی بوده ما برای سریال‌شدنش به آن آب بستیم، خیر. منظورم این است که ساختار سینمایی یعنی کوتاه‌بودن سکانس‌ها و جامپ‌کات‌های سینمایی به ساختار سریال هم راه یافته و این شده یک سریال با ویژگی‌های سینمایی.

هادی حجازی‌فر چطور به گروه بازیگران این سریال اضافه شد؟

تمام تلاش ما این بود که برای انتخاب بازیگر کار ویژه‌ای انجام شود؛ اینکه سراغ هر گزینه‌ای نرویم. مدتی که به بازیگران سریال فکر می‌کردیم، هر اسمی که مطرح می‌شد به‌راحتی انتخاب نمی‌شد. وقتی اسم هادی حجازی‌فر مطرح شد، برای خودم هم گزینه جذابی بود. من تابه‌حال از او فیلم کمدی ندیده بودم؛ اما حس می‌کردم به این سریال کمک خواهد کرد. دوستان دیگر هم روی توانایی بازی او خیلی تأکید می‌کردند. تمامی این مراحل با تردیدهایی هم همراه بود؛ اما وقتی هادی به گروه اضافه شد و با حس خوبی کار را آغاز کرد. ایده و طرح برای شخصیتش داشت. در صحبت‌هایی که با هم داشتیم، گاهی چالش‌هایی هم داشتیم. برخی ایده‌های او با طرحی که من در ذهن داشتم، متفاوت بود؛ گاهی او کوتاه می‌آمد و گاهی من. در بسیاری از اوقات فکر می‌کردم بهتر است از سخت‌گیری کم کنم و اجازه بدهم کارش را انجام بدهد. هادی ذهن ایده‌پردازی دارد. به پرداخت بهتر شخصیت کمک بزرگی کرد و در تمام مدت خوشحال بودم که ایده‌های جذابی دارد. او با خودش آورده‌هایی داشت که خیلی به ما کمک کرد.

بعد از دو تجربه کارگردانی مستقل، به فیلم‌نامه‌نویسی برای فیلم‌سازان دیگر ادامه می‌دهید؟

بله؛ حتما انجام می‌دهم. اساسا دغدغه و عشق من فیلم‌نامه است. اگر وارد عرصه کارگردانی شدم، به این دلیل بود که ترجیح می‌دادم خودم باشم و از اینکه ایده و طرح من مسیر دیگری می‌رفت، ناراحت بودم. البته کارگردان‌هایی بودند که به ذهنیت من نزدیک می‌شدند و قطعا اتفاق بهتری بود. هنوز اگر احساس کنم بتوانم برای کارگردانی فیلم‌نامه بنویسم، این کار را انجام خواهم داد. اصولا در فیلم‌نامه‌نویسی به وجود یک همکار فیلم‌نامه‌نویس معتقدم، چراکه فکر می‌کنم فیلم خوب در فیلم‌نامه باید چکش خوبی بخورد و با همکاری چند نفر اتفاق بهتری رخ خواهد داد. به‌هرحال فیلم‌نامه‌نویسی را دوست دارم.

سریال‌هایی که برای نوروز آماده می‌شدند، با شیوع ویروس کرونا و ناگزیر تعطیلی پروژه‌ها، ضررهایی را متحمل شدند؛ ساخت قسمت‌های پایانی سریال شما چطور پیش رفت؟

«دوپینگ» از ابتدا قرار بود در ۳۰ قسمت ساخته شود و زمانی که به اوج شیوع ویروس کرونا در اسفند رسیدیم، ۳۰ درصد کار باقی مانده بود؛ به‌ویژه تصویربرداری قسمت آخر که انجام نشده بود. مجبور شدیم با ناراحتی کار را تعطیل کنیم، چراکه جان همکارانمان در خطر بود. فقط چند روزی اضافه‌کاری کردیم و به‌جای یک ماه کار، پنج، شش روز کارکردیم و انتهای قصه را جمع‌وجور کردیم. قطعا اتفاقی که خواست من در فیلم‌نامه بود، رخ نداد و قسمت آخر چیزی که من می‌خواستم نشد. حسن ایوبی به‌عنوان تدوینگر حرفه‌ای، کمک زیادی به ما کرد. همچنین بچه‌های موسیقی و صدا بسیار همراه بودند. اما به‌هرحال ما هم از شرایط به‌وجودآمده متضرر شدیم و قسمت‌های بامزه و شیرین سریال تولید نشد.

ادامه از صفحه ۶

آنچه مردم ضعیف را معترض کرد

البته در دوره‌های سازندگی و اصلاحات، کفه طرح‌های زیربنایی سنگین‌تر بوده و در دوره هشت‌ساله مهرورزی، کفه طرح‌های کوتاه‌مدت و مصرف‌گرایانه. خب، طبیعی است بانک‌ها، در سال‌های دهه ۷۰ و اوایل ۸۰، بیشتر منابعشان را برده‌اند به سمت کارخانه سیمان و فولاد، سد و نیروگاه، پتروشیمی، خودکفایی گندم، خودروی ملی و ... . در سال‌های بعد از دهه ۸۰ هم حرکت منابع به سمت مسکن مهر (بدون زیرساخت‌های شهری لازم)، واردات انگور و پرتقال، لوازم آرایشی - بهداشتی، خودروی لوکس، گندم و گوشت و ... . حال اینکه این تخصیص منابع را بانک‌ها به‌عنوان یک بنگاه خوب انجام داده‌اند یا نه، من نقص عمده‌ای نمی‌بینم. بانک‌ها سعی کرده‌اند پاسخ‌گوی مناسبی برای نیازهای فعالان اقتصادی باشند. شما هر کارخانه سیمان و کاشی و فولاد و مس و سنگ‌آهن و سرب و روی و مواد غذایی و شوینده و پتروشیمی بالادستی و پایین‌دستی یا آزادراه و نیروگاه و... را در کشور می‌بینید؛ یا یک بانک بزرگ تأمین‌کننده‌اش بوده یا کنسرسیومی از بانک‌ها. در واردات کالاهای واسطه‌ای یا مصرفی و همچنین ماشین‌آلات و تجهیزات هم همین بوده است. بانک‌ها نقش دیگری هم داشته‌اند که به آن تحریک تقاضای کل می‌گویند. وام مسکن، یعنی تحریک تقاضای مسکن، وام ازدواج یعنی تحریک تقاضای لوازم خانگی و قس‌علی‌هذا. نکته سومی که بنده می‌خواهم اشاره کنم، سرعت و کیفیت خیره‌کننده خدمات بانک‌هاست. به این معنا که روزانه گاهی ده‌ها میلیون تراکنش بانکی؛ از کارت‌خوان‌ها در فروشگاه‌ها و رستوران‌ها و حتی دست‌فروش‌ها گرفته تا خودپردازها و درگاه‌های اینترنتی صورت می‌گیرد. میانگین ما در مقایسه با دنیا که متوسط زمان مطلوب هشت ثانیه است، بسیار مطلوب‌تر است. در بیش از ۸۰ درصد موارد، در کمتر از پنج ثانیه، هم انتقال وجه یا پرداخت انجام می‌شود و هم پیامک آن دریافت می‌شود. در طرح‌های بزرگ و مصارف صنوف هم همین‌طور است. هر طرحی که افتتاح می‌شود؛ چه توسط دولت، چه بخش خصوصی، چه بزرگ، چه کوچک، بانک تأمین مالی کرده است. شما از کارگاه‌های کابینت‌سازی و اسباب‌بازی‌سازی بگیرید تا ماست و شیر و بستنی و دارو و شوینده و پرورش ماهی و میگو، بانک‌ها تسهیلات داده‌اند. اگر مانده تسهیلات بانکی را درحال‌حاضر حدود ۱۶۰ هزار هزار میلیارد تومان در نظر بگیریم، تنها یک‌سومش به بخش دولتی اختصاص دارد و دوسومش در اختیار بخش خصوصی و غیردولتی قرار گرفته است و همه اینها در حالی است که نظام بانکی تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار داشته و به قول معاون اسبق خزانه‌داری آمریکا، جنگ خزانه‌داری با ایران در اوج خود بوده است.

گفت‌وگوی خیلی خوبی داشتیم و شما به نکات خیلی مهم و کاربردی‌ای اشاره کردید و جواب‌های کارشناسانه دادید. ممنون که در روزهای پایانی سال در این مصاحبه چالشی با دقت به سؤالاتم پاسخ می‌دهید. برای سؤال آخر، مختصرا بفرمایید وضعیت اقتصادی را در سال ۹۹ چطور ارزیابی می‌کنید.

به نظرم سال ۹۹، برای اقتصاد ایران، نقطه عطفی به‌یادماندنی خواهد بود. ما همیشه و در همه‌جا با عامل مهمی به نام نااطمینانی در محیط اقتصادی مواجهیم که فکر می‌کنم اکنون در اوج آن به‌سر می‌بریم و آن به دلیل شیوع کروناست. اگر بخواهم از دشواری‌ها و متغیرهای ویژه بگویم، باید اذعان کنم که آثار عینی و ذهنی کرونا، تا ماه‌ها و شاید تا نیمه اول سال را دربر گیرد. این چالش، اقتصاد جهان را از حالت عادی و روند یکنواخت بیرون خواهد برد که اقتصاد ایران هم جدا از آن نیست. کاهش قیمت کالاهای راهبردی از جمله نفت، متأثر از سه عامل؛ اقدام اخیر بعضی اعضای اوپک، شروع فصل گرما و افزایش ذخایر نفتی مصرف‌کننده‌های بزرگ، همچنان تداوم خواهد داشت و بعید نیست که اقتصاد جهان را دچار رکود عمیق کند. مسائل انتخابات ایالات متحده در پاییز پیش‌رو و همچنین مسائل سیاسی اثرگذار در خاورمیانه، در دو سوی اقیانوس اطلس و در خاور دور، آثار مهمی را بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت. اگر مسائل مهم داخلی، به‌ویژه چگونگی برون‌رفت از شرایط کرونا، شروع مجلس یازدهم و چگونگی رویکرد منتخبان مجلس را به مسائل اساسی اقتصاد و سیاست و از طرف دیگر آماده‌شدن کشور در نیمه دوم سال برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال بعد را به عوامل بیرونی اضافه کنیم، جای تردید باقی نمی‌گذارد که باید تدابیری ویژه برای مدیریت شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در سال پیش‌رو اعمال شود. به‌علاوه، مختصات ساختاری اقتصاد ایران نیز دقت بیشتر در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را ایجاب می‌کند که در این راستا، مجموعه بررسی‌هایی که بنده کرده‌ام، مرا به این پیش‌بینی رسانده که نیمه اول سال ۹۹ بسیار سخت خواهد بود. شاید در خرداد و تیر سخت‌ترین شرایط اقتصادی؛ یعنی کاهش تولید ناخالص داخلی، رکود و تنگنای مالی بنگاه‌ها را شاهد باشیم. از شهریورماه اما شرایط می‌تواند از پایین‌ترین نقطه دوباره به نقطه‌ای برگردد که در اسفند ۹۸ بوده است و در تداوم آن از مهرماه به‌بعد روند بسیار بهتری را پیش‌بینی می‌کنم که حتی ممکن است در زمستان آینده، جهش خوبی را در اقتصاد داشته باشیم. بنابراین امیدوارم سال ۹۹ را با یک اقتصاد پیش‌رونده و با نرخ رشد مثبت و بی‌سابقه در دو سال اخیر به پایان برسانیم و با وضعیت به‌مراتب بهتری وارد قرن پانزدهم خورشیدی شویم.